

۴۱ سال مبارزه برای آزادی زنان

حقوق خود و آزادی پرداخت • تشکیلات زنان
برناه کار خود را با شعارهای مبارزه علیه فاشیسم
مبارزه در راه صلح، دستمزد مساوی با مردان در
مقابل کار مساوی، آغاز کرد.

مجله "بیداری ما" ارگان تشکیلات، در
ارتقای سطح آگاهی زنان و بسیج آنان در مبارزه
در راه اهداف خود، نقش ارزنده ای داشت. این
نشریه که با شعار "ما هم در این خانه حقیقی
داریم" به عنوان ارگان مرکزی تشکیلات انتشار
می یافت، از آغاز تا هنگام توقیف آن در بهمن ۲۷،
با وجود امکانات کم، دارای محتوای ارزنده ای بود.
و در راه شناساندن مبارزات زنان و مردم انقلابی
کشورهای جهان، انعکاس زندگی اسارت بسیار
زن ایرانی و دفاع از حقوق کودکان کوشش می کرد و
زنان را به مبارزه و شادوش با مردان علیه
استعمار دعوت می نمود.

تشکیلات زنان در سال ۱۳۲۵ به عضویت
فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان درآمد و به
نام "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" نامیده
شد. این سازمان در مسائل بین المللی، از
بقیه در صفحه ۲

۱۸ بهمن، صادف با سالروز تأسیس
تشکیلات دمکراتیک زنان ایران است. تشکیلات
زنان، به مثابه یک سازمان دمکراتیک و مدافع
حقوق زنان ایران، در زمستان سنال ۱۳۲۱
موجودیت خود را اعلام کرد.

در شهریور ماه ۱۳۲۰، حکومت ضد خلقی و
وابسته رضا شاه سقوط کرد. زحمتکشان ایران
پس از تحمل سالهای سیاه حکومت رضا خان که با
سرکوب بی رحمانه جنبش کارگری توأم بوده به سرعت
در احزاب مترقی و تشکل های صنفی متشکل
شدند. هم زمان، مبارزات زنان ایران، با سقوط
رضا شاه، عنوان دستیار رژیم فاشیستی هیتلر
وارد مرحله نوبتی شد. زنانی که فشار و خفقان
دوران رضا شاهی را افزون بر محنت و رنج خاص
زن بودن تحمل کرده بودند، برای مبارزه در راه
به دست آوردن حقوق خود، گرد هم جمع شدند و
از همان آغاز، سازمان کوچک خود را "تشکیلات
زنان" نام گذاری کردند.

در آغاز سال ۱۳۲۲ تشکیلات زنان ایران
فعالیت خود را آغاز کرد و به تجهیز و تشکل زنان
و دختران در راه مبارزه برای به دست آوردن

حزب توده ایران: حقوق پایمال شده زنان طی قرون و اعصار، باید احقاق شود!

در قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی حزب توده
ایران، در باره حقوق زنان چنین آمده است:
"تأمین حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
و فرهنگی برابر با مردان برای زنان و پایان دادن
به همه بی عدالتی هایی که به محرومیت زنان
انجامیده و آنان را از حقوق مساوی در جامعه
و خانواده محروم داشته است.

الغای کلیه قوانینی که مانع بروز شخصیت
زن در جامعه می شود" (ویژه نامه "راه توده"
صفحه ۱۱).

به منظور درک همه جانبه برناه پیشنهادی
اجتلا به تشریح موقعیت فعلی زنان درج ۱۰۱۰
می پردازیم.

رژیم منحط پهلوی، در اجرای اصلاحات
ظاهری و فرم نیم بند اجتماعی، حق انتخاب
شدن و انتخاب کردن برای زنان را به رسمیت
شناخت. به علت ماهیت ضد مردی آن رژیم و
فقدان کامل آزادی های دمکراتیک، زنان ایران هم
چون مردان، قادر به اعمال این حق نبودند.

مشارکت تاریخی و کم نظیر اقتدار وسیع زنان
در انقلاب ۲۲ بهمن، خواست آنان به ایجاد و
دگرگونی بنیادی در جامعه را بیان می کرد. توده
های زنان، و شادوش مردان، به عرصه مبارزه
سیاسی گام نهادند. آگاهی سیاسی زنان پس
از طی رنج قرن سکون و خفقان، تغییر کیفی یافت.

انقلاب بهمن ۵۷، صحت این قانون اساسی
انقلاب را که "نشانه هر انقلاب اصیل عبارتست
از افزایش سریع، یعنی ده برابر و حتی صد برابر
شدن تعداد عناصر مستعد مبارزه سیاسی در
میان توده زحمتکش و دستمزد های که پیش از آن
بی عمل مانده بود" بار دیگر تأیید کرد. بیماری
کودکی چپ گزائی در کمونیسم - لنین "

امروز حاکمیت خائن به اهداف انقلاب، پسرای
لگد مال کردن این دست آورد بزرگ اجتماعی، از
یک طرف به سرکوب و حشیا نه احزاب و سازمان های
مترقی مدافع حقوق زنان دست می زند. و از سوی
دیگر با اشاعه اوهام و خرافه پرستی صو استفاده
از باورهای مذهبی مردم، می کوشد زنان را متقاعد
سازد که وظیفه "شرعی" آنها خزیدن به کنج
خانه و پختن آش و ساقیدن دیگ است.

زنان در نظر این غاصبین قدرت، گله های
رام رای دهنده هستند که می باید به حاکمیت
بقیه در صفحه ۳

پیام تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

بمناسبت سالروز انقلاب به مردم و بویژه به زنان میهن ما

مردم، انتقام جویانه قربانی می گیرند.
"آمریکا دشمن خلق ما" از دروازه های
تبرک می گذرد و زمامداری که با میدان به این
شعار، از خشم انقلابی مردم، جهت دست یافتن
به آمال ضد خلقی خوش بهره گرفتند، حال از
تطهیر "شیطان بزرگ"، در ملا عام، ایائی
ندارند و بدیهی است که در این راه، باید آزادی
خواهان و مدافعان حق و عدالت سلاخی شوند
و در سایه این قربانیها، فشار بر مردم ستندیده
باز هم بیشتر گردد.

آنچه که در سال های اول پس از انقلاب به
نفع زحمتکشان گفته شد و بخشی اجرا گردید، به
تد ریج پایمال شد. خواست های مردم برای کسب
استقلال، آزادی، رفاه و ترقی اجتماعی، نه تنها
نادیده گرفته شد، بلکه به مرور زمان مورد انکار قرار
بقیه در صفحه ۴

۲۲ بهمن، سالروز انقلاب مردم میهن ما
است و انقلابی که طور ماریکی از مستبدترین رژیم
های دیکتاتوری جهان را در هم پیچید و برای
مردم ستندیده ایران و منطقه نوید استقلال و
آزادی به ارمغان آورد. امید هایی که اکنون به
یأس بدل شده است.

انقلابی که قدرت آن را داشت، به کمک همین
مردم، به پیش بتازد و حقوق حقه آنان را پس از
سالیان سال زجر و حرمان، مبارزه و امید بر آورد،
به سر اشیب انهدام قطعی سقوط کرده و کسانی
که زالو وار خون مردم محروم ما را می مکندند، پس
از گذشت ۵ سال به کمک اربابان جدید زر و زور
تسلط خود را بر شئون اقتصادی، اجتماعی و
سیاسی کشور، باز می یابند. ضحاکان زمانه، که
توان انقلابی مردم در هوشان کویدده بود، اینک
جرات یافته و با تسخیر سریر قدرت، از همین

۴۱ سال مبارزه برای آزادی زنان

بقیه از صفحه ۱

قد راسیون الهام گرفته و با تطبیق آن با شرایط کار خود، آنها را به مرحله اجرا در می آورد.

در سال ۱۳۲۴، جنبش آزادی خواهانه و استقلال طلبانه خلق های آذربایجان و کردستان به پیروزی دست یافتند و حکومت های خود مختار محلی در زمان کوتاه حکومت خود، گام های مثبت و تعیین کننده ای در جهت منافع زحمتکشان برداشتند. از جمله این اقدامات، تأمین حقوق برابر زنان با مردان بود. برای نخستین بار زنان در این دو استان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بهره مند شدند و به پای صندوق های رأی رفتند. زنان همای مردان در مقابل حکومت دست نشانده محمد رضا شاه، قهرمانانه ایستادگی کردند. علی رغم مقاومت بی نظیر مردم، حکومت های محلی مردمی، به دست امپریالیسم انگلیس و آمریکا و عوامل آنها سرکوب شد.

پس از حوادث ۱۵ بهمن، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران نیز، چون دیگر احزاب و سازمان های مترقی مردمی غیرقانونی اعلام شد. مجله "بیداری ما" توقیف گردید و بسیاری از مسئولین و فعالین تشکیلات زنان در تهران و شهرستان ها دستگیر و زندانی شدند. دبیر تشکیلات با حکم غیابی به حبس ابد محکوم گردید. از این زمان تشکیلات زنان به کار مخفی پرداخت و زنان و دختران را در جلسات کوچک مخفی جمع نمود. کمیته های مخفی در سراسر کشور تشکیل شد و به کار پرداخت.

جهت ایجاد ارتباط گسترده با زنان و آماده کردن آنان برای مبارزه پدیده در پیوند با مشکلات هر روزی زندگیشان، ضرورت ایجاد یک سازمان علمی بیش از پیش احساس می شد. از این رو "سازمان زنان ایران" به مثابه ادامه دهنده راه "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" تشکیل شد.

ابعاد مبارزه سیاسی

"تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"

مبارزه اصیل زنان در راه آزادی و احقاق حقوق انسانی، هرگز و در هیچ جای دنیا، در مبارزه عمومی زحمتکشان تحت ستم علیه حکام جبار و نظامات مبتنی بر بهره کشی جدا نبوده است. لنین می گوید:

"مرگ بر این دروغ تهوع آورده: مساوات میان ستمگر و ستمکش، استثمار گرو استثمار شده نبوده و نخواهد بود. تا آن روزی که زن از زیر بار امتیازاتی که قانون به مرد داده آزاد نشود، تا آن زمان که کارگر از یوغ سرمایه داری خلیصی نیاید، تا آن روزی که روستائیان زحمتکش از یوغ سرمایه داران، کلان مالکان و تجار بزرگ خلیصی نیابند، بگذار دروغگوها، پاناکاران، بی شعورها، کورها و بیوزها و طرفداران نشان مردم را گول بزنند و با آنها درباره "آزادی" به طور کلی، "مساوات" به طور کلی و "دموکراسی" به

طور اعم سخن بگویند."

طبیعی است که مبارزات تشکیلات دمکراتیک و پس از آن سازمان زنان ایران در چارچوب مبارزه در راه کسب حقوق زنان محدود نباشد. زنان زیر رهبری تشکیلات، دشادش مردان در مبارزه علیه استعمار و استبداد شرکت می کردند. پس از بهمن ۲۷ و بازداشت و زندانی شدن دهه زیادی از مبارزین راه استقلال و آزادی ایران، خانواده های زندانیان سیاسی، زیر رهبری "تشکیلات" دست به اعتراض علیه حکومت محمد رضا شاه زدند و زیر سر نیزه حکومت نظامی، سکوت مرگبار زائیده بهمن ۲۷ را درهم شکستند. زنان با شعار "شوهران، پدران و برادران ما را آزاد کنید" در مقابل مجلس شورای ملی به تظاهرات پرداختند و در مجلس متحصن شدند. در تظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۳۰، علیه ورود هریمن به ایران که توسط پلیس شاه به خون کشیده شد، زنان همراه مردان در مقابل سرتیو و تانک ها ایستادند. مطبوعات آن روز ضمن انعکاس اخبار تظاهرات، زنان را "زیر عنوان "ژاندارکها" ستودند. زنان و دختران در مبارزات عمومی جنبش ملی نفت نیز فعالانه شرکت داشتند و در جمعیت ایرانی هواداران صلح، مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر مردم ایران را در راه حفظ صلح در سراسر جهان، سازمان می دادند.

در سال ۱۳۳۰ جمعیت حمایت کودک، به

ابتکار تشکیلات و با الهام از فدراسیون دمکراتیک

بین المللی زنان پا به عرصه وجود گذاشت و حقایق

تلخی از زندگی اندوه بار کودکان ایرانی را در

کارگاهها و کارخانه ها، قالی بافی ها و مزارع در

معرض افکار عمومی قرار داد.

پس از کودتای ۲۸ تیر

مرداد، دستگیری های دسته جمعی و یورش های

شبانه پلیس آغاز شد. در این یورش ها، زنان

نیز وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند پنهان

ساختن مبارزین تحت تعقیب و محکوم به اعدام،

برقراری ارتباط میان هسته های فعال مبارزین

مترقی، تماس با خانواده های زندانیان سیاسی

و داخل زندان می تردید یکی از صفحات درخشان

مبارزات تشکیلات دمکراتیک است. زنان در

اعتراضات و اعتصابات کارگری که ارکان رژیم دست

نشانده پهلوی را به لرزه در می آورد، نقش موثری

داشتند.

آغاز فعالیت علمی

"تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"

پس از پیروزی انقلاب پرشکو بهمن ۵۷ و سقوط

حکومت ستم شاهی در ایران، "تشکیلات

دمکراتیک" به بار دیگر فعالیت علمی خود را از سر

گرفت و به منظور مشکل کردن زنان و اعتلای سطح

آگاهی سیاسی و اجتماعی آنان و آشنا نمودن

زنان به حقوق انسانی خود، به کار توده های پیگیر

ببین زنان پرداخت.

در جریان نبرد طبقاتی بی امان و تعیین

کننده بین مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ مالی و حامیان معمم و کلای آنان از یک سو و طبقات و اقشار زحمتکش و محروم، کارگزاران، دهقانان، روشنفکران مردمی، اقشار بینابینی که تالیفات انقلابی داشتند از سوی دیگر، تشکیلات دمکراتیک، به تبعیت از شی مردی خود، چنانچه مردم و توده های زحمتکش را گرفت و تمام هم خود را در راه تثبیت و تحکیم و تعمیق دست آورد های انقلاب عظیم بهمن به کار بست. تشکیلات زنان با کار توضیحی گسترده، زنان میهن ما، به خصوص زنان زحمتکش را با دست آورد های انقلاب آشنا می کرد و جریانات وابسته و ارتجاعی و قشری را افشا می نمود.

"تشکیلات دمکراتیک"، در اجرای ایمن

اهداف با مشکلات جدی روبرو بود. ضد انقلاب

متشروع و طرفداران منافع غارتگران با تظاهر به

"منلانی" و تمسک به مقررات خشک و خشن

"شرعی" مانع ایجاد هر نوع شکل زنان

و مطرح شدن خواست های سیاسی و صنفی آنان

بودند. اقدامات تنگ نظران و قشری موربانه

های انقلاب، در جهت ایجاد محدودیت روز-

افزون در زمینه شرکت زنان در حیات اجتماعی و

محروم نمودن آنان از حق اشتغال، تحصیل و

شکوفائی استعداد و توانایی هاشان، اعمال فشار

در جهت تحمیل شیوه زندگی، پوشش و آداب

ریسم، ایجاد جو تشنج و نا آرامی منجر می-

شد و کار انقلابی مداوم و صبورانه را مختل می کرد.

علی رغم کلیه موانع و کار شکنی ها، تشکیلات

دمکراتیک، زنان را به اشکال مختلف مشکل کرد؛

به آنان سواد آموخت، به میان زنان کار گرفت و بر

آگاهی طبقاتی آنان افزود. با زنان زحمتکش

روستا پیوند یافت و در باره ضرورت اصلاحات

ارضی بنیادی با آنان به گفتگو نشست. زنان

زحمتکش شهری، کارمندان، معلمین، زنان خانه-

دار و دانشجو و محصل را در صفوف خود جذب

نمود. از نیروی آنان نیرو گرفت و به آنان ضرورت

تشکل و مبارزه علیه بی عدالتی ها را آموخت. در

هر جا و هر لحظه با مردم جوشید، دردها و

رنج های آنان را لمس کرد و مبارزه در راه محو

نا برابری را سازمان داد.

بازداشت و شکنجه مسئولان و فعالین

"تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"

انقلاب خونبار و پر عظمت مردم ایران به

دست سرمایه داران و بزرگ زمین داران و تجار

بزرگ و عوامل آشکار و پنهان امپریالیسم جهانی و

در رأس آن امپریالیسم آمریکا منتهی گردید و در

سراسر سقوط افتاد. مسئولان و فعالین

تشکیلات دمکراتیک زنان به دست درخیمان ج ۱۰

بازداشت شدند و تحت شکنجه های وحشیانه

جسمی و روحی قرار گرفتند. آنان که به انگیزه

عشق به مردم و خدمت بی دریغ در راه تحقق

استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می کردند

بقیه در صفحه ۴

حزب توده ایران :

حقوق پایمال شده زنان طی قرون و اعصار، باید احقاق شود!

قیه از صفحه ۱

بیارانه آنان " مشرویت " ببخشند . امروز حقوق یاسی زنان به تمام و کمال پایمال شده است . " جان هزاران زن و مرد ، پیر و جوان و حتی و جوان تنها به جرم داشتن عقاید سیاسی متفاوت یا عقیده هیئت حاکمه در خطر است " (ویژه نامه صفحه ۵)

در زمینه مسائل اقتصادی ، حرص سیراب شدنی سرمایه داری به زران و زنی و سوء استفاده ز نیروی کار ارزان زنان با پیش قرون وسطائی و به غایت عقب افتاده حکام ج ۱۰ درآمیخته است . تشریون راستگرایان می کشند این ملغمه زهر آلود را با حباب شکرین تحارفات دروغین و ادعاهای ریا - نارانه تحت عنوان " مقام والای زن در اسلام " خورد مردم انقلابی ایران بدهند .

میلیونها زن در مزارع و کارگاهها و کارخانه ها ، در خدمت بزرگ زمین داران و کلان سرمایه داران به بهای عمر و جوانی خود کیسه استثمارگران و خادمان آنان را پر می کنند . زنان اولی - قریانیان بحران بیکاری ند . هرگاه منافع کارگران اقتضا کند ، به مثابه نیروی کار ارزان و کم توقع به کارگاهها برده می شوند و در غیر این صورت بنا به دلخواه کارفرمایان اخراج می گردند .

قوانین و مقررات وضع شده در ج ۱۰ فقط و فقط بی حقوقی و تحقیر و توهین را برای زنان به ارمغان آورده است . سیاست ضد کارگری ، ضد دهقانی ، ضد فرهنگ ، ضد پیشرفت و ترقی اجتماعی و ضد آزادی های دیمکراتیک راستگرایان قسری ج ۱۰ - مجموعا در مورد زنان ایران اعمال می - شود .

حقوق همسری و مادری زنان که از ضروریات تحکیم بنیان خانواده است ، به خشن ترین وجه پایمال می گردد . حکام ج ۱۰ که در حرفه در

ستایش از مقام مادری حنجره می درانند ، عملا حق ولایت فرزند در نبود پدر را نیز از مادران دریغ می دارند و آن را به جد پدری و یا عموی فرزند می سپارند . مطابق سیستم فکری قرون وسطائی راستگرایان قسری حاکم بر مقررات میهن انقلابی ما ، زنان موجوداتی نابالغ ، غیر رشید و آسیب پذیر احساسات غیر منطقی خویشند و صلاحیت اخذ تصمیم در مورد سرنوشت خود ، انتخاب شغل ، تحصیل و ازدواج ، را ندارند .

خواهان اجرای دستمزد و حقوق مساوی برای کار مساوی در مورد زنان کارگر و ایجاد شبکه فراقبیر از شیرخوارگاهها و کودکستانها برای کمک به زنان زحمتکش ، لغو قوانین قرون وسطائی حاکم بر سرنوشت زنان و تدوین قانون پاسداری از حقوق خانواده بوده است . حزب توده ایران با وقوف کامل بر اهمیت عامل فرهنگی و پیشینی ، جهت زدودن آذنان مرد و زن از خرافات ، تأثیر سنت های سخت جان و نیروی پر توان عادت ، جهت

زنان کشور ما هنوز هم نیمه محروم تر جامعه ما را تشکیل می دهند . شکوفایی مینهن ما در گرو تعیین برابری کامل زنان با مردان در همه میدان های زندگی اجتماعی است . (از برنامه حزب توده ایران)

ایجاد تحول فکری برای پذیرش برابری کامل حقوق زن و مرد ، کوشش ارزنده ای به عمل آورده است .

حزب توده ایران بر آنست که تا زنان از حقوق انسانی کامل برخوردار نشوند ، جامعه نمی تواند رشد کند و نمی توان ادعای آزادی کرد .

طبقه کارگر ایران ، در عین حال که برای رهایی خود از استثمار ، از یوغ ارتجاع و امپریالیسم مبارزه می کند ، برای تأمین آزادی زنان نیز به مفهوم لنینی آن در صفا اول مبارزه قرار دارد . حزب توده ایران معتقد است که " پرولتاریا نمی تواند خود را آزاد کند ، بی آنکه برای آزادی کامل زنان مبارزه نماید " (لنین کلیات آثار - جلد ۳۰ صفحه ۳۲۳)

حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، به مثابه یک حزب طرفدار آزادی و حقوق دیمکراتیک مردم ، از نخستین روز تولد ، باور خویش را به موجود هر گونه تبعیض و برتری جوئی میان انسانها بر پایه جنس ، رنگ ، نژاد و مذهب اعلام داشته است . حزب توده ایران بیانگر خواسته های توده های محروم و از جمله زنان ، این محرومترین - محرومان ، معتقد است که حقوق پایمال شده زنان طی قرون و اعصار ، باید احقاق گردد . تمام مظاهر استبداد ، که عده ترین آن پایمال کردن حقوق تمامی جامعه و یا بخشی از آن است باید نابود گردد . در این مسیر ، شناسائی حقوق زنان که نیی از جامعه انداز اهمیت خاص خود می - خورد اراست . حزب توده ایران همسوار

بر نجکاران

عسری
دل گرفته ، هوا ابری است
بی آفتاب قدم می زیم

آنگ برنجکاران
زلهای باردار
با تنه های خون
دستانشان تا آرنج
و پای تا سرانجام در گل
در کاران ورنج و دمانیم

فرزندهایشان
این واژه های دوشن
از بدن آفتاب برمی خیزند
و شعر من تبلور آینده است
زها که روز را
با کار سخت شتابان
دنبال می کنند

ببخند می زیم
بآران دوستانه آزادی بهشت می باره
دارند آفتاب نشا می کنند

جلال سورافراز
اصفهان ۵۹



پیام تشکیلات دمکراتیک زنان ایران...

بقیه از صفحه ۱

دانشکده پزشکی زنانه

در روزهای اوج جنبش انقلابی ایران که طوفان خشم توده‌ها طوهار نظام ستم‌شا در می‌نوردید، آنان که در مقام رهبری جنبش گرفتند به کرات اعلام می‌کردند:

"ما مخالف تحصیل دختران نیستیم بی‌بند و باری مخالفیم" و یا "دختران می‌در هر رشته و تا هر مرتبه که بخواهند تحصیل کنند" دکتر و مهندس شوند. متخصص شوند... امروز همان دولت مردان در مقه خائنین به انقلاب و مردم چیز دیگری می‌گو ستاد انقلاب فرهنگی، در اجرای اهداف ضد فرهنگی و ضد آموزش عالی خود، هر روز توطئه جدیدی علیه علم و دانش به اجرا در می‌آورد مسئولین راست‌گرا و قشری ج ۰۱۰ که ز را از تحصیل در بسیاری از رشته‌های دانشگاه محروم کرده‌اند، به ساعه بیش ارتجاعی خود به دلیل حمایت از حق زنان در کسب دانش تخصص، آنان را مجاز به تحصیل در رشته پزشکی می‌دانند. زیرا به رسم سنت ریشه دارد در میم ما حتی طبیب را نیز محرم نمی‌پندارند. ام زنان میهن ما از این توفیق اجباری نیز طرزه نمی‌بندند. روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۱ ماه ۶۲، تحت عنوان "دانشگاه الزهرا آمادگ خود را برای تشکیل رشته‌های پزشکی اعلام کرد چنین می‌نویسد:

"روابط عمومی دانشگاه الزهرا اطلاعیه‌ای اعلام کرد، به دنبال دعوت آیت‌الله مشکینی در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته مبنی بر برنانه ریزی برای تحصیل خواهران رشته‌های پزشکی، برای پاسخ گوئی به نیاز موجه در جامعه در این زمینه، دانشگاه الزهرا آماد خود را برای تحقق این امر مهم و اساسی اعلام می‌دارد."

امروز با سابقه ترین و مجهز ترین دانشگاه های ایران، به دلیل تسلط جاد خفقان و تفتیش عقاید، کمبود استادان صاحب صلاحیت و تجربه، و دخالت عوامل شناخته شده امپریالیسم در تعیین مواد درسی و محتوای کتب دانشگاهی، با بحران عمیق مواجه‌اند. در چنین شرایطی پیش‌بینی میزان صلاحیت علمی فارغ التحصیلان رشته پزشکی دانشگاه الزهرا که فاقد تجهیزات لازم برای این رشته است کار دشوار نیست.

مسئولین روبرتافته از خلق و قشری ج را از سطح نازل دانش پزشکی چنین پزشکان باکی نیست. زیرا آنان فقط به کار مداوای زن ایران - که به زعم سردمداران ج ۰۱۰، موجودا درجه دو هستند - خواهند پرداخت!

۴۱ سال مبارزه برای...

بقیه از صفحه ۲
مورد عناد کینه توزانه دشمنان مردم قرار گرفتند تاریخ به ما آموخته است، مبارزات حق طلب مردم را می‌توان سرکوب کرد و به خون کشید، اما ریشه کن نمی‌توان کرد.

کردن اذنان مردم از روی آوردن به تشککل و مبارزه دستگیری زنان مبارز، از جمله فعالیتین و اعضای سازمان ما، ابعاد وسیعی به خود گرفته، آنها در زندانها تحت وحشیانه ترین شکنجه‌ها قرار دارند و سرنوشت بسیاری از آنان نامعلوم است. آنچه که مردم ما پس از گذشت پنج سال از انقلاب، از آن نصیب می‌برند، در چند نکته خلاصه می‌شود: جنگ، ویرانی، بحران اقتصادی بیکاری، گرانی، وابستگی اقتصادی، بی‌فرهنگی، عقب ماندگی محرومیت‌های اجتماعی و تشدید ستم دیکتاتوری.

زنان مبارز، خواهان!

روی سخن ما در آستانه سالروز انقلاب بسا شما است. با شما که پیکارتان بر ضد رژیم شاه و مقاماتان در برابر دیکتاتوری، زبانه مبارزین راه آزادی در سراسر جهان است. شما که با قداکاری و ایثار، در پی پیروزی رساندن انقلاب و در هم کوبیدن کاخ ستم، نقش موثر داشتند. شما که به امیدرهای از زیر بار استثمار قرن‌ها، از جان و مال عزیزترین کسانتان گذشتید و در عوض، به جای دلجویی، باز هم قربانی بیشتری از شما می‌طلبند، **بسه هوش باشید!**

- قامت خمیده در زیر بارها شتابان را استوار نگهدارید!

- دست اتحاد به سوی مدافعین حق و عدالت دراز کنید!

- با شجاعت غرور آفرینتان، امپریالیسم و ارتجاع را به صاف بطلبید!

- از طریق افشاگری و اعتراض گسترده بکشید شما فرزندان و بستگانتان را از زندانها و از چنگال دژخیمان رها سازید!

- به خاطر پایان دادن به جنگ بیپایه با عراق و برقراری صلح عادلانه مبارزه کنید!

- برای مبارزه در راه احقاق حقوق زنان محروم ایران، در صفوف تشکیلات دمکراتیک زنان ایران متشکل شوید!

شما نیرو و عزم را سخن خود را در تاریخ مبارزات مردم ایران به ثبت رسانید و اکنون تاریخ پا ز به شما نیاز دارد.

روی سخن ما همچنین با شما مردم ستم کشیده و محروم اجتماع است که به انقلاب چشم امید دوخته بودید، با شما زبندگان که قیامتتان در بهمن ۵۷، ناقوس مرگ استبداد و سلطه امپریالیسم را در میهن ما به صدا درآورد. مشکل و متحد به دفاع از حقوق حق خود برخیزید. پایه های دیکتاتوری لرزان تر از آن است که بتواند در برابر اراده استوار خلق دوام بیاورد. خلق‌های ایران به جهان‌یان نشان داده‌اند که به خاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، می‌رزند. ما در این رزم پرشکو با شما همراهم.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

بهمن ۱۳۶۲

گرفت.

حاکمیت دیکتاتورهای نهن، تنگ نظری و عقب ماندگی قشری را در کلیه عرصه‌های حیات اجتماعی به ضرر طبقات و اقشار تحت ستم میهن ما، کارگران، دهقانان، روشنفکران، سایبر زحمتکشان و به ویژه زنان، اعمال می‌کند. این حکومت بنا به ماهیت خود، شیوه‌های قرون وسطایی را در سرکوب مردم و خفه کردن ندای حق طلبی آنان به کار می‌گیرد. سیاست ستم حاکم، از کهنه ترین سلاحهای موجود برای اعمسسال زور استفاده می‌کند. مردم میهن ما از امنیت فردی و اجتماعی برخوردار نیستند. با زنان تحت ستم "مذهب" به خشن ترین وجهی رفتار می‌شود. کلمات قساری که در "تجلیل" از آنان به کار می‌رفت، جای خود را به توهین مستقیم و صریح - اللحن داده است. تبعیض بین زن و مرد تشدید یافته و کورولی مسئولان مملکتی، آنان را بر آن داشته تا زنان را در حرف و در عمل، در زمره "دیوانگان و نابالغین" - طبق قانون مدنی رضا شاهی - قرار دهند. تصویب قانون قصاص را می‌توان به مثابه نفی انسانیت و تمدن و سلطه بربریت ارزیابی نمود. به جای شرکت دادن زنان در عرصه تولید، آنان را گروه گروه از محل‌های کار اخراج می‌کنند و برای این کار لایل "شرعی" می‌تراشند و یا در عمل چنان امکان برخورداری از موسسات رفاهی را از آنان می‌گیرند تا خود مجبور به دست کشیدن از کار و خانه نشینی شوند. رجعت زنان به چهار دیواری خانه تحت عنوان "احترام به حقوق مادری" و "نقش مهم زنان در خانه داری و تربیت فرزند" علنا تبلیغ می‌گردد.

جنگ و ضایعات ناشی از آن، بحران اقتصادی به مراتب بدتری از مردان دارند. تمامی های سرسام آور زندگی، همه و همه باری استیر دوش زحمتکشان و به ویژه زنان که وضع و موقعیت اقتصادی به مراتب بدتری از مردان دارند. تمامی این مسائل تحت لوای "اسلام" و "دین مردم نسبت به آن" توجیه "شرعی" می‌شود. تا زمانه استبدادی شاه را، زاهدان جدید، به نام "مذهب" برگزیده مردم ما فرود می‌آورند. جنگ خانان‌نوسوزی که زندگی صدها هزار تن از مردم این آب و خاک را بلعیده و میلیونها آواره و از دست دادن ذخائر ملی ما را به همراه داشته، مرتباً دامن زده می‌شود. سیاست و شعارهای دیوانه وار حاکمیت در این راه، با شی شیونیستی فاشیسم در دوران جنگ دوم جهانی قابل مقایسه است. پیورش به سازمانهای دمکراتیک، پیگیری و بازداشت اعضای آنها و شکنجه و قتل آنان نیز جنبه دیگری از سیاست سردوب رژیم است. کسب گروه از جوانان و نوجوانان به تنگنا گاه جبهه‌ها و شکنجه‌گاهها، هدف وحشتناکی را دنبال می‌کند: از میان بردن نیروهای فعال اجتماعی، فلج کردن جنبش اجتماعی و منحرف